



رئیس جمهور:

هیچ کس حق فرصت سوزی ندارد.

...ادامه در صفحه دوم



هفت تنه نازک

آدرس کانال تلگرام: T.me/hoor_ajums



جلسه پشت درهای بسته

...ادامه در صفحه دوم

سال اول. شماره دوازدهم. تعداد صفحات: ۴. هفته چهارم آبان ماه ۱۳۹۹. (سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹). قیمت ۳۰۰۰ تومان

سرمقاله: نگاه ابزاری مدیران به دانشجویان



در شماره قبلی نشریه از نگاه ابزاری به دانشجویان از سوی مدیران دانشگاه جندی شاپور اهواز خبر دادیم؛ اینکه مدیران به دانشجویان به مثابه مریض ذخیره در بخش های آموزشی دانشگاه نگاه می کنند.

حالا این هفته هم وزیر بهداشت بخشنامه ای را به دانشگاه ها ابلاغ کرده تا از دانشجویان در قالب کار دانشجویی برای شناسایی بیماران کرونایی بهره ببرند. به بیانی دیگر، شناسایی بیماران کرونایی نیاز به نیروی انسانی زیادی داشته و به کارگیری نیروی انسانی هم نیاز به بودجه زیاد دارد! اما وزیر محترم بهداشت پیش خودش فکر کرده است، خب چه نیازی هست که پول زیادی برای استخدام یا پرداخت اضافه کار به پرسنل رسمی تخصیص دهیم، دانشجویها که در این بیمارستان ها در دسترس هستند، از این دانشجویان برای انجام کاری که هیچ ارتباطی با آموزش آنها ندارد، بهره می بریم و با بهره کشی از دانشجویان هم کار شناسایی بیماران را انجام می دهیم و هم پول زیادی خرج نمی کنیم!

این نگاه ابزاری و پولی به دانشجویان همان آسیبی است که مدیران به اصطلاح عملگرا و بازاری به آموزش و دانشگاه وارد می کنند. آنها برای مدیریت به همه چیز از جمله فرزندان این مملکت نگاه ابزاری دارند، خانواده ها با هزار امید و آرزو فرزندان را به دانشگاه و نزد استادانی می فرستند که آموزش پیدا کرده و تخصص و تبحر کافی بیابند و در عین حال افرادی باشند که به جای پول و قدرت سیاسی، علم و ارزشهای انسانی را در اولویت زندگی خود قرار می دهند، اما متأسفانه برخی از مدیران دانشگاه با سوءاستفاده از اعتماد مردم به جایگاه دانشگاه، با نگاه ابزاری خود به دانشجویان و دانشگاهیان، ضربات جبران ناپذیری بر علم و جایگاه دانشگاه در میان مردم وارد کرده اند.

این نگاه ابزاری مدیران همچون ویروس به دیگر بخش های دانشگاه سرایت کرده و آنها را هم متاثر ساخته است؛ استادی که برخلاف ضوابط علمی و قانونی حق دیگر اساتید را ضایع می کند، اتندی که به جای انجام وظایف خود و آموزش کافی به رزیدنت ها کار خود را به دوش آنها می اندازد و حقوق دانشجوی رزیدنت را ضایع می کند، رزیدنتی که به جای رسیدگی به کار بیماران انجامشان را به دوش اینترن ها می اندازد، پزشکی که پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه برای درآمد بیشتر حقوق بیماران را ضایع می کند، نمونه هایی از دومینوی فساد و نگاه ابزاری و سودجویانه می باشد و آغازگر آن مدیرانی بوده اند که متوجه عواقب این دیدگاه و عملکرد خود نبوده اند!

...ادامه در صفحه دوم

گزارش لایوشانی و اعلام نکردن آمار در انتخابات کانون ها

در حالیکه چندین روز از برگزاری الکترونیک انتخابات کانون های فرهنگی در دانشگاه می گذرد، اما متأسفانه مدیریت فرهنگی دانشگاه تاکنون آماری از تعداد شرکت کنندگان در این انتخابات ها منتشر نکرده است. طبق آنچه که مدیریت فرهنگی دانشگاه اعلام کرده بود، برای ۱۲ کانون فرهنگی هنری در دانشگاه انتخابات برگزار شده که می بایستی در این انتخابات اعضای اصلی کانون ها توسط دانشجویان انتخاب می شدند. اگرچه اقدام دانشگاه به برگزاری انتخابات به صورت الکترونیک گامی روبه جلو در جهت شفافیت می باشد، اما لازم است که این حرکت با انتشار تعداد آرا و افراد شرکت کننده در انتخابات، تکمیل گردد.

انتخابات یکی از ارکان دموکراسی می باشد و حق دانشجویان است که از آمار این انتخابات مطلع باشند. انتشار آمار انتخابات کانون ها، میزان مقبولیت و مشروعیت آنها را در بین دانشجویان نشان می دهد و از طرفی مدیران هم بایستی متناسب با اقبالی که به این کانون ها می شود، امکانات و بودجه در اختیارشان قرار دهند، چراکه بیشتر این کانون ها سالهاست که فعالیت کرده و فرصت کافی برای معرفی خود به دانشجویان را داشته اند.

...ادامه در صفحه دوم

اولین دوره تمام الکترونیک انتخابات شورای مرکزی کانون ها

۱۱ آبان ماه ۱۳۹۹

تنها ۱۴ ساعت تا پایان زمان انتخابات وقت باقی است.

<http://Kanoonf.behdasht.gov.ir>



مدیریت فرهنگی و آوی برنامه دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز



...ادامه "جلسه ..."

بیش از ده ماه از شروع به کار دکتر ابولثادیان باید می گذشت تا ایشان با برخی از فعالین دانشجویی دیدار کند. بالاخره پس از مدت ها رئیس دانشگاه با برخی از فعالین دانشجویی دانشگاه دیدار کرد.

این جلسه که جهت پیگیری مطالبات دانشجویی برگزار شده بود، تاکنون هیچ گزارشی از محتوا و نتایج آن از سوی دانشگاه منتشر نشده است.

گویا ادمین کانال تلگرامی "صدای دانشجو" که مشاور رئیس دانشگاه می باشد در برگزاری و دعوت فعالین دانشجویی، نقش اصلی را داشته است.

به نظر می رسد به دلیل پنهان کاری های اینچینی اولین نقدی که فعالین دانشجویی می بایستی به رئیس دانشگاه مطرح می کردند، همین عدم اطلاع رسانی و مطلع نکردن دانشجویان از تصمیمات دانشگاه است. دانشگاه جندی شاپور اهواز با ۹ هزار دانشجو از یک منبع خبررسانی و اطلاع رسانی معتبر محروم است و مدیران هم خود را مقید به اطلاع رسانی و پاسخگویی به دانشجویان نمی دانند!

..ادامه "نگاه ابزاری مدیران به دانشجویان"

اگرچه روح زمانه ما مدرنیته، اومانیسم و غلبه فردگرایی می باشد و نه تنها در ایران بلکه در کشورهای توسعه یافته هم، منفعت طلبی و جاه طلبی شخصی رایج است، اما اینجا یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن این است که نگاه ابزاری باعث تضییع حقوق دیگری می شود اما در کشورهای توسعه یافته به دلیل حکومت قانون، نگاه ابزاری افراد چندان نمی تواند به حقوق دیگران تعدی و تجاوز کند، چرا که قانون پشتوانه افراد بوده و از آنها در مقابل صاحبان قدرت پشتیبانی می کند. علاوه بر اینها حتی در کشورهای توسعه یافته هم اجازه نمی دهند در دانشگاه به دانشجویان نگاه ابزاری وجود داشته باشد، چراکه به شدت به فلسفه آموزش و علم آموزی جوانان و دانشجویان آسیب می زند.

علی احمدی زاده - دانشجوی پزشکی

...ادامه "رئیس جمهور..."

به گزارش ایسنا، رئیس جمهور هفته گذشته در جلسه هیئت دولت با اشاره به انتخابات اخیر آمریکا گفت: «سیاست جمهوری اسلامی ایران روشن است و هر دولتی که در آمریکا باشد، سیاست ما تغییر نمی کند. ما همان سیاستی را که دیروز داشتیم امروز و فردا هم خواهیم داشت و این وابسته به دولت آمریکاست که به سیاست های ما نزدیک شود یا از آن فاصله بگیرد». حسن روحانی افزود: «دولت رو به پایان آمریکا در این مدت از سیاست های ما فاصله گرفت. سیاست اصولی ما سیاست اکثر کشورهای مستقل و مهم جهان است و آنها هم با یک جانبه گرایی و تروریسم مخالف اند. اگر آمریکا به سیاست ما نزدیک شد، شرایط جدیدی پیش می آید و اگر دور شد، آن موضوع دیگری است. سیاست ما تعامل با جهان و به تعبیر رهبری تعامل گسترده با جهان است».

او تأکید کرد: «سیاست ما بر مبنای صلح و ثبات، احترام به حقوق ملت ها، عدم تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی کشورها و مبارزه با تروریسم، پایان یک جانبه گرایی و پایبندی به معاهدات است؛ اما این دولت رو به پایان آمریکا از این سیاست ها فاصله گرفت و حامی تروریسم و مداخله در کار ملت های منطقه و ادامه جنگ و فروختن سلاح در منطقه بود». رئیس جمهور با یادآوری این نکته که آمریکا تخاصم با ایران را شروع کرد، گفت: «آن آقایی که دولتش رو به پایان است گفت که برجام بدترین قرارداد تاریخ آمریکا بود و عده ای تحریک کردند که از برجام خارج شود. تصورش هم همین بود که ظرف دو، سه ماه نظام را سرنگون می کند و تصورات کودکانه ای داشت. این آقای جدید هم از ابتدا در تبلیغاتش گفته که می خواهیم به برجام بازگردیم. ما که داخل برجام بودیم و از آن خارج نشدیم، ۱+۴ هم در برجام بوده و البته در تعهدات شان سستی کردند که ما متقابلاً تعهدات مان را کاهش دادیم. این برعهده آنهاست که اگر خواستند راه جدیدی را انتخاب کنند».

روحانی با بیان اینکه دولت رو به پایان آمریکا همیشه با بدنامی و همیشه با فحاشی با مردم ما صحبت کرده است، عنوان کرد: «ما همیشه مؤدبانه حرف زدیم، امیدواریم مردم آمریکا شرایط را به گونه ای رقم بزنند که کاخ سفید بر مبنای منافع مردم آمریکا و بدون تحقیر سایر ملت ها و با پایبندی به تعهدات سیاست های خود را جلو ببرد. ما هرجا ببینیم شرایط آماده لغو تحریم است، از این فرصت استفاده می کنیم. هدف ما این است که فشار تحریم را از شانه های مردم برداریم و هرجا فضا مناسب این کار باشد، وظایف مان را بر مبنای امنیت ملی مان انجام می دهیم و هیچ کس در این زمینه حق فرصت سوزی ندارد؛ چراکه ما باید بر مبنای منافع و وحدت ملی تصمیم بگیریم».

او گفت: «خواهش می کنم عده ای به شایعات و القائات نادرست در داخل کشور ادامه ندهند و به آن دامن نزنند و بگذارند این فضایی که برای ماه های آینده در ذهن مردم به وجود آمده، ادامه داشته باشد و موضوعات منافع کشور را به انتخابات گره نزنند».

...ادامه "گزارش لاپوشونی..."

نکته قابل توجه این است که تاکنون هیچ کدام از این کانون های دوازده گانه در دانشگاه گزارشی از حوزه فعالیت و عملکرد سالانه خود برای دانشجویان منتشر نکرده و به دانشجویان پاسخگو نبوده اند، اگرچه روشن است که برخی از این کانون ها فرمایشی و صوری بوده و منافع جمعی دانشجویان را دنبال نمی کنند.

بدیهی است که عدم انتشار آمار انتخابات کانونها ناشی از استقبال بسیار کم دانشجویان دانشگاه به فعالیت این کانونها بوده و نشان می دهد که سیاست های فرهنگی وزارت و دانشگاه در این حوزه ها نیاز به بازنگری جدی دارد، اگرچه به نظر نمی رسد وزارت به دنبال رشد و رونق این کانون باشد، بلکه آنها بیشتر از نام کانون ها برای ایجاد گسست و چنددستگی در جریان دانشجویی بهره می جویند.

تلاش بسیار کرد. «رونالد کسلر» نویسنده زندگینامه لورا بوش همسر بوش پدر به نقل از خانم کاندولینا رایس وزیر امور خارجه اسبق آمریکا می نویسد: «این ابتکار لورا بوش بود که رفتار رژیم طالبان با زنان بر ملا شود.» هیلاری کلینتون سیاستمدار بود و میشل اوباما به محبوبیت خارق العاده دست یافت. ولی بانوی اولی که تقریباً هیچ تلاشی نکرد ملانیا بود. خاستگاه تمامی زنانی که نام بردم به طور عمده از طبقه متوسط جامعه است با گذشته ای دست و پنجه نرم کرده با سختی ها و مرارت ها. ملاله یوسف زی در ۱۵ سالگی در اتوبوس مدرسه برابر چشمان همکلاسی هایش توسط طالبان ترور شد، اما توانست بار دیگر روی پا بایستد و برای آموزش و تحصیل دختران و زنان مبارزه کند. نادیا مراد دختری ایزدی که از ظلم و ستم و تجاوز داعشیان فرار کرد مثل ملاله یوسف زی برای نجات زنان اسیر در دست داعش جهان را مطلع کرده و جایزه صلح نوبل را از آن خود کرد. تمامی زنان موفق که فقط به چند تایی از آنها اشاره کردم یا به دلیل رنگ پوستشان از یکسری امتیازات اجتماعی محروم بوده اند یا در کشورهایی محروم از آموزش، برابری جنسیتی و تبعیض رشد کرده اند. ملانیا ترامپ هم از بلاروس به آمریکا آمد و ماندگاریش در این کشور را مدیون ظاهر زیبا و قد و بالای خدادادی اش بود.

اما دردهای گذشته ملانیا با پا گذاشتن به زندگی ترامپ به پایان نرسید. او وارد قفسی طلایی شد که خبری از احترام و ارزش گذاری برای زن در آن مفهومی نداشت. او عروسی زیبا و «لوند» برای همخوابگی مردی بود که دستی در هوسرانی هم داشت و ملانیا هم یکی دیگر از دلبرکانی بود که به بارگاه او رفت و ۱۵ سال در این اسارت ماندگار شده است. او قابلیت قابل توجهی هم برای رشد و استفاده از ثروت بی حد و حصر همسرش نداشت، او آنقدر در دنیای کوچک و تنهای خود غرق بود که نفهمید بانوی اول آمریکا بودن می تواند تا چه اندازه گذشته بحث برانگیز او را پاک کند.

ملانیا خیلی سیاست خارجی نمی داند و از سیاست داخلی هم منفک است. تمام نقش او به عنوان همسر رئیس جمهور آمریکا گرفتن عکس یادگاری با همسران همتایان شوهرش بود. ملانیا گناهی نداشت. او یک مهره اشتباه در کاخ سفید بود. نفرتی که بین دختران ترامپ و ملانیا بارها دیده شده و یا روابط سردی که زن و شوهر نشان داده اند حدیث مفصلی است که به راحتی خوانده می شود. تاکید می کنم که ملانیا ترامپ زن زیبایی است و زیبایی یک امتیاز خدادادی است ولی

وقتی به سرنوشت هزاران زنی که دنیا را تکان دادند و یا بنا به گفته کامالا هریس روی شانه های دیگر زنان ایستادند تا حق را بگویند و بگیرند نگاه می کنم زیبایی آخرین ویژگی است که برای رسیدن به آن تلاش می کنم.



اگر حق انتخاب داشتیم، ترجیح می دادم ملاله یوسف زی باشیم یا مزین السلطنه، شاید هم فروغ السلطنه آذرخشی و حتی جاسیندا آردن و استیسی آبرامز شاید هم خانم دکتر کحال مدیرمسوول نشریه دانش، یا جی کی رولینگ، اوپرا وینفری و میشل اوباما یا قمرالملوک وزیری که با شهامت تمامی تصنیف مرغ سحر را خواند و نترسید و حتی کامالا هریس که این روزها همه درباره او صحبت می کنند.

زنانی که با معیارهای زیبایی امروز جامعه ایران و استانداردهای دنیای مد و فشن فاصله معناداری داشته و دارند ولی تا توانسته اند در زندگی شخصی و اجتماعی خود نقششان را به عنوان یک زن تاثیرگذار و ماندگار به خوبی ایفا کرده اند. اگر هر کدام از این زنان در ایران امروز زندگی می کردند باید در اولین قدم فکری به حال سر و شکل خود می کردند.

میشل اوباما رنگین پوست کمی تُپل با لباس هایی که به درد کاخ نشینی نمی خورد باید به سر و وضعش می رسید، یا مثلاً فروغ السلطنه آذرخشی که اولین مدرسه دخترانه را در خانه خود برپا کرد احتمالاً این روزها از اینکه ساده و بی آرایش بود در انزوایی درونی دست و پا می زد، جاسیندا آردن نخست وزیر موفق نیوزلند در مهار کرونا و ارتقا کشورش به یکی از کشورهای سطح اول دنیا، باید در به در مطب های دندان پزشکی می بود تا جراحی لثه کرده و دندان هایش را لمینت کند تا خرگوشی شوند.

نقدی بر زیبایی و زیبا بودن نیست که اتفاقاً هیچ نظریه ای در تکوهش زیبایی در هیچ دین و قانونی وجود ندارد. تکته در مورد زیبایی بی محتوا و برای خوشامد جامعه است.

من دوست نداشتم ملانیا ترامپ باشم. نه اینکه شوهرم لجباز و خودسر و بی منطق بود و با رفتارهای اسباب شرمندگی و خجالت می شد، چون نمی خواستم «عروسی کوکی» در قفسی طلایی باشم. ملانیا ترامپ بدون شک زیباست. با قدی بلند و اندامی همچون مدل ها و چشمانی گیرا که به بهترین شکل آفریده شده اند. لباس هایش هر بیننده ای را به تحسین وا می دارد. اما من نمی خواستم همسر مثل «باربی» برای نمایش در انظار عمومی از من سوء استفاده کند در حالی که می دانستم فقط اسباب تفریح هستم. ملانیا ترامپ چهار سال میهمان کاخ سفید بود. کتابی نوشت و کمتر در رویدادی برای حقوق زنان، آموزش، صلح، تغییرات اقلیمی و برابری جنسیتی شرکت کرد. او در کارزار انتخابی همسرش هم یکی دو بار بیشتر روی صحنه نیامد و در همین نقش کمرنگش هم دنیای مد را مثل دنباله لباس عروس با خود می کشید.

بانوی اول آمریکا بودن یک شغل رسمی نیست. ولی در عرف جامعه آمریکا زنانی که وارد کاخ سفید می شوند باید وظایفی نانوشته را اجرا کنند و نقش تاثیرگذاری در جامعه داشته باشند. باربارا بوش همسر بوش پدر برای سواد آموزی

از این دشت خشک تشنه روزی کوچ خواهی کرد
واشک من تو را بدرود خواهد گفت
نگاهت تلخ و افسرده‌ست

دلت را خار خار ناامیدی سخت آزرده‌ست
غم این نابسامانی همه توش و توانت را زتن برده‌ست
تو با خون و عرق، این جنگل پژمرده را رنگ و رمق دادی
تو با دست تهی با آن همه طوفان بنیان کن در افتادی
تو را کوچیدن از این خاک، دل بر کندن از جان است
تو را با برگ برگ این چمن پیوند پنهان است
تو را این ابر ظلمت گستر بی رحم بی باران
تو را این خشک سالی های پی در پی
تو را از نیمه ره بر گشتن یاران
تو را ترویر غمخواران
ز پا افکند
تو را هنگامه شوم شغلان
بانگ بی تعطیل زاغان
در ستوه آورد

تو با پیشانی پاک نجیب خویش
که از آن سوی گندمزار
طلوع با شکوهش خوش تر از صد تاج خورشید است؛
تو با آن گونه های سوخته از آفتاب دشت
تو با آن چهره افروخته از آتش غیرت
که در چشمان من والاتر از صد جام جمشید است
تو با چشمان غم باری
که روزی چشمه جوشان شادی بود
و اینک حسرت و افسوس، بر آن
سایه افکنده ست خواهی رفت
و اشک من تو را بدرود خواهد گفت
من اینجا ریشه در خاکم
من اینجا عاشق این خاک از آلودگی پاکم
من اینجا تا نفس باقی ست می مانم
من از اینجا چه می خواهم، نمی دانم
امید روشنایی گرچه در این تیره گی ها نیست
من اینجا باز در این دشت خشک تشنه می رانم
من اینجا روزی آخر از دل این خاک، با دست تهی
گل بر می افشانم

لکھنؤ میثری

📖 شناسنامه نشریه:

هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، صنفی، سیاسی، ادبی، هنری، اقتصادی، علمی، مذهبی، ورزشی

شماره مجوز: ۹۹۰۳۲۶۰۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی احمدی زاده (دانشجوی پزشکی)

سرمدیر و صفحه آرا: شیما بهداروندی (دانشجوی دندانپزشکی)

راه ارتباطی برای نظرات و انتقادات شما نسبت به نشریه هور:

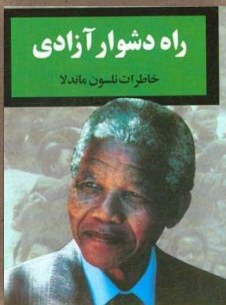
Hoormag.ajums@gmail.com

📌 آدرس کانال تلگرام: T.me/hoor_ajums

📖 پیشنهاد کتاب:

"راه دشوار آزادی"

خاطرات نلسون ماندلا



کتاب از دو بخش کلی تشکیل شده: در بخش اول به زندگی شخصی خود و در بخش دوم به عرصه فعالیت های سیاسی و اجتماعی می پردازد.

ماندلا در این کتاب دورانی که در زندان های جزیره روبن و پالزموور گذرانده را توصیف می کند. ۲۸ سالی که در زندان بود، کار طاقت فرسا، خواب در سلول های کوچک غیرقابل سکونت مشخص می شود. ماندلا برخلاف آنتونی سامپسون، زندگی نگار او، جیمز گریگوری زندانبان را متهم نمی کند که با زندانی اش رابطه دوستی ایجاد کرده باشد. کتاب خدا حافظ بافانای گریگوری، زندگی خانوادگی ماندلا را بررسی و گریگوری را به عنوان دوست

نزدیک ماندلا توصیف می کند؛ ولی به گفته ماندلا، مسئولیت گریگوری سانسور نامه های بود که به رئیس جمهور آینده تحویل داده می شد. گریگوری با استفاده از این نامه ها بود که کتاب «خدا حافظ بافانا» را منتشر کرد و با آن پولدار شد. ماندلا در نظر داشت تا گریگوری را بخاطر این نقض اعتماد تحت پیگرد قرار دهد. در کتاب «راه طولانی بسوی آزادی» ماندلا می گوید که گریگوری را به خوبی نمی شناختم ولی او همه ما را می شناخت چرا که مسئول بازخوانی نامه های ارسالی و دریافتی ما بود.

به نوشته خودش در این کتاب، ماندلا با رئیس جمهور فردریک ویلم دکلرک ملاقات می کند و در سال ۱۹۹۰ از زندان آزاد می شود. ماندلا در سال ۱۹۹۴ رئیس جمهور آفریقای جنوبی می شود.

🎬 پیشنهاد فیلم: "دونده"

امیرو (شخصیت اصلی فیلم) گاه گذاری با بچه های هم سن و سالش مسابقه دو و دوچرخه سواری می دهند که با تلاش عجیب فقط می خواهد تا انتهای مسیر بدود یا به گفته ی خودش تا جایی که می تواند بدود.

او اندک پولی را که با سختی بدست می آورد صرف خریدن مجلات خارجی زبان می کند که فقط عکس های هواپیماهایش را لازم دارد، امیرو برای عشق اساطیری اش تا پای جان می دود.

امیرو مصداق یک رهای تنه است. او حتی کسی را ندارد که در مدرسه ثبت نام اش کند. کارگردان رهایی و آزادیگی شخصیت را با عشق به پرواز و دویدن به تصویر می کشد، هواپیما و دویدن در ذهنیات امیرو معنایی نزدیک به هم دارند، امیرو می دود چون که نمی تواند پرواز کند. شخصیت استوار و تشنه ی رهایی اش، او را راهی مدرسه می کند تا سواد خواندن و نوشتن یاد بگیرد که بتواند لااقل مجلات فارسی زبان را بخواند. امیرو شخصیتی است که صرفاً نتیجه گرا به زندگی نگاه نمی کند و برای او در مرحله ی اول، ارضای درونی و اعتماد به خود مهم است و بعد دیگر مسائل مطرح می شوند، برای او مهم نیست که روزی خلبان بشود یا نه، برای او همین عشق به هواپیما کافی است تا او حتی با لمس کردن بدنه ی این هواپیما به وجد بیاید. وقتی یخ او را می دزدند، برای او ماهیت حق را گرفتن مهم است، هر چند که آن یخ آب بشود و دیگر به دردش نخورد، امیرو شخصیتی نیست که در مقابل زورگویی ها و سختی ها به راحتی از پا دربیاید، ممکن است دلش بشکند ولی دل سرد نمی شود و باز با سماجتش چیزی را که می خواهد، برای داشتنش تلاش می کند.

منبع: کانون فرهنگی چوک